

## سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین؛  
گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان.

بخش ( ۱۲ )

### کبیر توخی

تاریخ نگارش ( ۱۴ جنوزی ۲۰۰۹ )

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " ( .. فبروری ۲۰۱۲ )

### گوشه ای از عملکرد های CIA در افغانستان

- ۱- تأملی گذرا؛ بر سیاست امپریالیزم امریکا در قبال افغانستان .
- ۲- امپریالیزم امریکا برای تسخیر افغانستان به کدام شیوه ها متصل شد .
- ۳- بعضی ابعاد مهم کار کرد های سازمان سیا که منجر به کمترین عکس العمل مردم در برابر تجاوز آشکار امریکا به افغانستان گردید.
- ۴- سازمان سیا با کدام نهاد ها در افغانستان اعمال نفوذ می کرد.
- ۵- فعالیت سیا در قالب انجوها در افغانستان.
- ۶- زندان های افغانستان و زندان های اعمار شده توسط امریکا ، تماماً تحت نظر مستقیم سیا اداره می شوند.
  - A- زندان های رسمی
  - B- زندان های خصوصی
- ۷- مروری بر ارتش های خصوصی [ Private Military Companies ( PMC )
- ۸- ازخاد KGB تا "راما"ی CIA در افغانستان
  - A- نگاهی اجمالی به خاد KGB و اسلافش
  - B- ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان

## B- زندان های خصوصی:

در مقاله ای از این قلم به نام " پایگاههای نظامی امپریالیزم امریکا در جهان و آرزوی رئیس دولت دست نشاندۀ امریکا در افغانستان ( کرزی ) " مؤرخ ( ۱۸ سپتمبر ۲۰۰۶ ) در زیر عنوان " ۱۳- پایگاه نظامی ، نگهداری زندانیان و پرواز های جاسوسی سیا " پاراگراف اخیر آن چنین آمده :

" یکی از عواملی که امریکائی ها را واداشت تا زندانیان را از پایگاه هایشان در سایر کشورها به پایگاه نظامی بگرام انتقال بدهند، واکنش هائی بود که قسمت هائی از آن در فوق تذکار داده شد. مسلماً اعتراضات یاد شده دول مذکور، خود انعکاسی بوده از مخالفت توده های مردم این کشور ها در برابر افسارگسیختگی و عملکرد های ضد بشری امپریالیزم امریکا. ورنه شرکاء به این کاری ندارند که در پایگاه هائی که در اختیار شریک بزرگ قرار داده شده ، چه می گذرد ؛ چه تعداد افراد زندانی و شکنجه می شوند ؛ به ناموس کی ها تجاوز صورت می گیرد و کدام ها در زیر شکنجه های عجیب متخصصین رنج و درد و عذاب و زجر و اِرعاب، به قتل می رسند. زندان هائی را که افراد (به ظاهر) غیر نظامی امریکا به یاری یکی از سرباندهای منفور " شورای نظار " قانونی (این اجنت کهنه پیخ و قدیمی امپریالیزم روس ) در کابل به طور مخفیانه بر پا کرده بودند، و هموطنان بی دفاع ما را در آنجا شکنجه میکردند؛ عجلتاً باشد به جای خودش."

هم اکنون که بحث زندان های خصوصی در این مقال باز شده چه بهتر که در حد لزوم به موضوع از دید سایت " تریبون آزاد " پردازیم که به قلم ناصر پویا زیر عنوان " آقای قانونی ، جانانان آیدما، و تأسیس زندان خصوصی در کابل " بیرون داده است :

« اخیراً مقالاتی که از راز روابط مخفی آقای قانونی با سازمان امنیت ملی روسیه پرده برداشت در سایت های مختلف به نشر رسید که مدعی بود آقای قانونی در سفر اخیر خود به روسیه به جای انجام وظیفه رسمی به ملاقات خصوصی با رئیس سازمان امنیت ملی روسیه آقای ایوانف شتافت و از تعهد خود به روسیه به وی اطمینان داد. - « آنچه که در کشتی خصوصی آقای ایوانف اتفاق افتاد در نوع خود تازه و غیر مترقبه نبود و تداوم شیوه خاص بازی سیاسی آقای قانونی- مرد مرموز بازار سیاست در افغانستان- بود که همواره سعی دارد دور از انظار مردم دست به ائتلاف و معامله بزند. برای روشن نمودن شیوه های ویژه آقای قانونی به شرح همکاری، باز هم مخفی، آقای قانونی با جانانان آیدمای امریکائی که در کابل دست به ایجاد زندان خصوصی زد، و مردم افغانستان را شکنجه نمود، می پردازیم. در اوایل جولای ۲۰۰۴ امنیت ملی افغانستان [\*] کشف

---

[\*] مخفف " ریاست امنیت ملی افغانستان " را که توسط CIA تجدید سازمان داده شده و در رأس آن یکی از اعضای آن سازمان (امر الله صالح) گمارده شده و بنا به نوشته یک خادی مهم (غلام سرور آرزو) ۷۰ فیصد اپرات کادر ها و آمرین ارشد امنیت ملی کرزی را همان کارمندان ... [ سابق ] تشکیل داده ؛ می توان " راما " نامید [

کرد که مردی به نام جاناتان آیدما در پایتخت افغانستان دارای یک زندان خصوصی است که مردم افغانستان را در آن زندان مورد شکنجه قرار می دهد. جاناتان آیدما، دو همکار امریکائی و چهار همکار افغانش در روز پنج جولای ۲۰۰۴ توسط پولیس افغانستان دستگیر و روانه زندان گردیدند. در جریان محاکمه آقای آیدما مدعی شد که محمد یونس قانونی با وی همکار بوده است و برای اثبات ادعایش فلمی را به نمایش گذاشت که آقای قانونی را در حال ملاقات با جاناتان آیدما نشان می داد که موفقیت او را به وی تبریک می گفت و به وی قول همکاری می داد. در این فلم **قانونی با انگلیسی شکسته به جاناتان آیدما می گوید: "هر نوع همکاری که لازم باشد ما آماده ایم."** بخش دیگری از فلم، نیروهای امنیتی خاص آقای قانونی را نشان می دهد که به خانه یک افغان که آقای آیدما مدعی بوده است وی قصد ترور آقای قانونی را دارد یورش می برند. برادر آقای قانونی حاجی ابراهیم نیز ملاقات خصوصی جاناتان آیدما را با یونس قانونی در مصاحبه ای با خبرگزاری اسوشیتد پرس تأیید نمود. نیروهای امنیتی افغان مدعی شدند که در زندان خصوصی آقای آیدما و یونس قانونی بیشتر از ده نفر را یافتند که در آنها آثار واضح شکنجه مشهود بود. یکی از قربانیان در حالی که با پا از سقف خانه آویزان بود و به شدت شکنجه شده بود توسط پولیس نجات داده شد.

دولت افغانستان و نیروهای نظامی امریکا تأکید کردند که آقای آیدما بدون آگاهی و خلاف قانون عمل می کرده است. اما شواهد انکار ناپذیر نشان داد که آقای قانونی با او همکاری نزدیک داشته است. اما این همکاری نه از آدرس دولت افغانستان بلکه از آدرس شخص خود قانونی بوده است.

فلم دیگری که در محکمه به نمایش گذاشته شد جریان تحقیق آقای آیدما از یکی از زندانیان به نام غلام سخی را نشان داد. اما غلام سخی در محکمه مدعی شد تمام اقرار وی به جاناتان آیدما زیر فشار و شکنجه بوده است و او هیچ گناهی مرتکب نشده است. جاناتان آیدما همچنان متهم شد که زندانیان خود را از سقف آویزان نموده است، آنها را با سیگار سوزانده، مورد ضرب و شتم قرار داده و شکنجه نموده است. همچنان او متهم شد که بالای زندانیان خود آب جوش می ریخته است. اما آیدما صرفاً قبول کرد که آنها را مورد بازپرسی قرار داده و جبراً بیدار نگه می داشته است. آیدما همچنان مدعی شد که در جریان جنگ در افغانستان و در کنار ائتلاف شمال جنگیده است و با آنها به عنوان مشاور کار نموده است.

سر انجام محکمه جاناتان آیدما را به ده سال حبس محکوم کرد. او پس از سپری کردن سه سال حبس در اپریل ۲۰۰۷ توسط حامد کرزی مورد عفو قرار گرفت و افغانستان را به قصد کشورش ترک نمود. در حالی که جاناتان آیدما ثابت ساخت آقای قانونی همکار وی بوده است اما محکمه در مورد او هیچ تصمیمی نگرفت و آقای قانونی مثل همیشه بار گناهان خود را به دوش دیگران گذاشت و خود را از معرکه بیرون کشید.

تحلیل گران معتقد هستند، آقای آیدما احتمالاً توسط آقای قانونی استخدام شده بود تا حریفان و مخالفان سیاسی آقای قانونی را به طرق زیر زمینی حذف نماید. هیچ تحقیق جامعی که تمام ابعاد مسأله را روشن نماید صورت نگرفت و رابطه آقای قانونی با این موضوع همچنان در هاله ای از ابهام باقی ماند. بدون تردید نقش آقای قانونی در پشت پرده بسیار بیشتر از همکاری صرف بوده است و دلایل خاصی باید آقای قانونی را به همکاری با جاناتان

آیدما تشویق نموده باشد که هنوز کاملاً روشن نشده است. دلایلی که سی سال افغانستان را به کشور زندان های خصوصی مبدل نمود و ملت افغانستان را به اسارت کشید. آقای قانونی ظاهراً آخرین زندان بان این زنجیره ضد انسانی بوده است، البته در صورتی که سایر مؤتلفینش زندانهای خود را در مناطق مختلف کشور مسدود کرده باشند. »

آقای پویا گزارشی افشاءگرانه ای در مورد رابطه مخفی قانونی و آدید ما تهیه کرده است . بگذار جمله آقای پویا ("بدون تردید نقش آقای قانونی در پشت پرده بسیار بیشتر از همکاری صرف بوده است و دلایل خاصی باید آقای قانونی را به همکاری با جانانان آیدما تشویق نموده باشد که هنوز کاملاً روشن نشده است") را اندکی بیشتر باز نمایم : قانونی که یک تن از پرچمی های مخفی "حزب دموکراتیک خلق" بوده توسط **KGB** در بخش باند شورای نظار گمارده شد و در پهلوی مسعود جابه جا گردید (درست مانند عبدالله عبدالله پرچمی ، قسیم فهیم خادی و... ) مأموران **CIA** در پنجشیر با وی تماسهایی برقرار نمودند . ملاقات ها در زمینه همکاری با قوای امریکائی انجام گرفت . نماینده **CIA** صد ها هزار دالر سبز آن سازمان را - چون طعمه متعفن که به دهن گرگ گرسنه ای پرتاب گردد - به دامن آغشته به خون این جاسوس پرتاب کرد . نکته ای که در مورد وی مبهم خوانده شده واقعیتش فقط این بوده می تواند : که وی یا به دستور **FSB** [ جانشین **KGB** سابق ] با سازمان **CIA** تماس برقرار کرده و عملاً همکاری نموده و بعد از مدتی تصمیم به کشیدن قلاده خونین روسی از گردنش کرده ، و قلاده کمپیوتری **CIA** را زیب گردنش ساخته ؛ یا این که به گونه ای تاکتیکی با **CIA** به همکاری اش ادامه می دهد . در هر دو صورت در جاسوس بودن این جنایتکار حرفه ئی و خاین به مردم و کشور هیچ شکی و تردیدی وجود ندارد .



چک کنت آید ما

جنایت کار حرفه ای و عضو **CIA** با دوتن امریکایی دیگر به کمک قانونی ( "رئیس شورا" در یکی از زندان خصوصی در کابل افغان ها را شکنجه می کرد..

به هر رو صحبت ما پیرامون زندان های خصوصی توسط عوامل امپریالیزم در داخل افغانستان باز شده که پدیده نومی در کشور می باشد ( نه زندان های سرباند های اخوانی چون گلبدین ، مزاری ، محقق ، خلیلی ، حاجی دوستم گلم جمع ، سیاف ، ربانی ، مسعود ، قانونی ، قسیم و سایر هم مسلکان فرومایه شان که در این نگاهسته نمی شود بدان پرداخت ) . تا کنون پرده از راز جنایات مزدوران خارجی زندان ساز و زندان دار در افغانستان - منهای یکی دو مورد - برداشته نشده است . به هر صورت ، می شود گفت که کشور هائی مثل امریکا و فرانسه در میان سایر شرکاء بیشترین زندان های خصوصی را در افغانستان دارا می باشند . در اصل شمار این زندان ها بستگی به کار جنایتبار شرکت های خصوصی در افغانستان و حتا در سایر کشور های "جهان سوم" دارد . پس بهتر خواهد بود به منشاء و

ریشه پیدایش این زندان ها که همانا "شرکت های خصوصی امنیتی" می باشند، پرداخت

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین  
و گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان



عکس ها، زندان زنان را در افغانستان نشان می دهد ( عکاسی توسط ماتسایوآن اهل اسلونی )

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین  
و گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان





زندان بگرام



دیوار داخلی زندان پلچرخی

گزارش تصویری از اسوشیتدپرس از زندان پلچرخی

## ۷- مروری بر ارتش های خصوصی [ Private Military Companies ( PMC ) ]

هرگاه نگاهی به منشاء کنونی ارتش های خصوصی بیندازیم و چگونگی پیدایش مزدوران قراردادی را در تاریخ نچندان دورتر استعمار اروپای متمدن بر قاره "افریقای وحشی"؛ از فرانسه که نمونه ای بسیار وضاحت یافته ای نسبت به سایر کشور های امپریالیستی در این زمینه بوده می تواند؛ بیآغازیم چه بهتر :

لوئی بناپارت که با کودتای ۲ دسامبر ۱۸۵۱ در سال ۱۸۵۲ به نام ناپلئون سوم امپراتور فرانسه اعلام شد. این مغز متفکر حيله و خیانت و جنایت "جمعیت ۱۰ دسمبر" را سازمان داد، تا توسط آنان که در نقش مردم ایفای وظیفه می نمودند، بتواند مردم را سرکوب نماید. **مارکس** در همین رابطه در اثر موشکافانه اش ( **هژدهم برومر لوئی بناپارت**) این جمعیت را چنین تعریف نموده است :

» ... همه جا اعضای جمعیت ۱۰ دسمبر همراه لوئی بناپارت بودند. این جمعیت در سال ۱۸۴۹

تشکیل شد . از لومپن های پرولتاریای پاریس به بهانه تشکیل جمعیت خیریه دسته های سری تشکیل شده بود که هر یک از آنها به وسیله عمال بناپارت رهبری می شد و در رأس تمام آنها یک جنرال بناپارت قرار داشت . در این جمعیت در کنار عیاشان فاسد و ورشکسته ای که اصل و نسب شان نامعلوم و وسایل گذرانیشان مشکوک بود ، درکنار واخورده های ماجراجو و منحط بورژوازی ولگردان، سربازان مرخص شده ، تبهکاران از زندان آزاد شده ، زندانیان فراری محکوم با اعمال شاقه، کلاه برداران ، حقه بازان ، درویزگان (۲)، جیب بران، شعبده بازان ، قماربازان ، قوادان، صاحبان فاحشه خانه ها، باربران، نویسندگان بیمایه ، نوازگان ارگ (۳)، کهنه فروشان ، چاقو تیزکن ها، سفید گران ، گدایان، و خلاصه تمام این توده مبهم و از هم گسیخته که تلاش معاش پیوسته آنان را از این سو به آن سو پرتاب می کند و در اصطلاح فرانسوی La Bonheme (۴) نامیده می شوند - گرد آمده بودند





حال توجه خوانندگان گرامی را به نوشته ای از **لوموند دیپلماتیک** در مورد شرکت های خصوصی در فرانسه و به یک تن از اعضای ارتش فرانسه که در کشور های مختلف وظیفه اجراء کرده است، در زیر جلب می نمایم :

« عضو نیروی دریائی در زمان جنگ هندوچین، **باب دنارد** بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۷ در مراکش در پولیس خدمت می کرد، سپس در الجزایر مأمور نیرو های ویژه فرانسه بود رد او را در یمن، کنگو، نیجریه، آنگولا، بنین و از ۱۹۷۵ کومور پیدا می توان کرد . در کومور او اوج و حضيض دوران فعالیت خود را گذراند و از ماه مه ۱۹۹۹ پس از برائت در محاکمه مربوط به قتل رئیس جمهور سابق کومور از صحنه خارج شد. » ؛ « افسران ارشد سابق که به بخش خصوصی آمده بودند اکثرا به عنوان مسؤولین استخدامی از آن ها نام برده می شد : ژاندارم های سابق آقایان پل باریل ( Paul Barril )، آلن لو کارو ( Alain Le Caro ) (۹) ، فیلیپ لو گورژو ( Philippe Legorjus )، روبر مونتویا ( Robert Montoya ) یا ژنرال ژانو لاکاز ( Jannou Lacaze ) فرمانده اسبق کل ارتش ) که مشاور شرکت امنیتی ژئوس میباشد ، شرکتی که ژنرال ژان هنریش - ( Jean Heinrich ) رئیس سابق بخش اطلاعات نظامی ( D R M ) و عملیات ویژه در قسمت حفظ امنیت خارجی ( DGSE ) ریاست شورای نظارت آن را بر عهده دارد. این شرکت که در سال ۱۹۹۷ توسط کادر های جوانی که سابقا در سرویس عملیاتی DGSE فعالیت می کردند، به وجود آمده با شبکه هائی در الجزایر ، روسیه، عربستان سعودی ارتباط داشته و در نظر دارد به زودی دفتری در لیبیا باز کند . این شرکت هم چنین در پنجاه کشور نیز فعالیت دارد . » ؛ « در رأس گروه امنیتی ( Barril یکی از مهمترین شرکت های فرانسوی که در این زمینه تخصص دارد ) آقای پل باریل متذکر می شود که " هنوز همان افسر ژاندارمری باقی مانده " است. او که هدفش ماجراجوئی نیست، فعالیت خود را در راهنمائی و توصیه به رؤسای جمهور خلاصه می کند. به غیر از مسأله محافظت ، فعالیت های ضد جاسوسی ، تجسس، پیشگیری از وقوع اقدامات تروریستی و آموزش تکنیکها و ورزش های « دفاعی پیش رفته » از جمله فعالیت های اوست ، اوهم چنین تجربیاتش را در زمینه " مدیریت بحران " در اختیار متقاضیان قرار میدهد . « نومبر ۲۰۰۴ »

ادامه دارد